



چگونه زیستن با

امام زمان (عج)

در عصر غیبت

طاهره مسلمی زاده

۳ ۴ ۶۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چگونه زیستن با امام زمان «عج»

در عصر غیبت

نویسنده

طاهره مسلمی زاده

مسلمی زاده ، طاهره ، ۱۳۴۴ -

چگونه زیستن با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت / نویسنده طاهره
مسلمی زاده... مشهد : هاتف (هجرت مشهد) ، ۱۳۷۹.

۴۸ ص

ISBN : 964 - 484 - 037 - 2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار)

۱. مهدویت - - انتظار. ۲. محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

۳. محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - - غیبت. الف. عنوان.

۲۹۷/۶۶۲

BP ۲۲۴ / ۵۵چ۸

کتابخانه ملی ایران

۱۵۵۰۵ - ۷۹ م

شابک ۹۶۴-۴۸۴-۰۳۷-۲



مشهد مقدس - خیابان آزادی - بازارچه سراب - پاساژ امیر

تلفن : ۲۲۵۵۲۰۰ - ۲۲۵۳۹۲۸

نام کتاب	:	چگونه زیستن با امام زمان «عج» در عصر غیبت
نویسنده	:	طاهره مسلمی زاده
ناشر	:	انتشارات هاتف مشهد
چاپ	:	دوم - ۱۳۸۲
تیراژ	:	۲۰۰۰۰ جلد
چاپخانه	:	مهشید
تعداد صفحه	:	۴۸ صفحه
قطع	:	رقعی
قیمت	:	۲۵۰ تومان

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

قال ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام

امام مثل خورشیدی است درخشان که؛
- نورش عالم و عالمیان را فرا می گیرد؛ و
- خودش در افق است به گونه ای که؛
- نه دست به او می رسد و نه چشم می تواند او را ببیند.

امام ماه شب چهارده است؛ و
- چراغی فروزان؛ و
- نوری است که بر افق می تابد؛
- ستاره ایست راهنما در تاریکیهای شب تار؛ و
- راهنمایی در رهگذر شهرها و کویرها و گرداب دریاها.

امام آب گوارای (زمان) تشنگی است؛ و
- راهنمایی است بسوی هدایت؛ و
- نجاتبخش است از هلاکت و گمراهی.

امام مشعلی است فروزان بر فراز بلندی؛ و
- گرمابخش سرمازدگان؛ و
- راهنمای مهلکه هاست،
- هر که از او جدا شود هلاک شود.

امام ابر پُر بارش است؛ و
- باران شتابنده؛ و
- خورشیدی است فروزنده؛
- آسمانی است که سایه می افکند؛

امام زمینی است صاف و هموار؛
- چشمه‌ای است جوشان؛ و
- برکهٔ آبی است (در بیابان خشک و بی آب و علف)؛ و
- گلستانی است روح بخش

امام همدمی است مهربان؛
- پدری است رئوف و مهربان؛
- برادری است که نیمهٔ انسان^(۱) است؛
- مادری نیکوکار و دلسوز به کودک؛ و
- پناه بندگان در گرفتاریهای سخت است

(اصول کافی ج ۱، ص ۲۸۶، نشر فرهنگ اهل البیت علیهم السلام)

۱. یعنی کسی است که از نظر قرابت و نزدیکی به انسان مانند سببی است که از وسط دو نیم شده باشد.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۷	* میلاد مسعود
۱۶	* در محضر امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۷	* معرفت خود را نسبت به امام زمان <small>علیه السلام</small> بیشتر کنیم
۲۰	* محبت خود را به امام زمان <small>علیه السلام</small> بیشتر ابراز نمائیم
۲۳	* هر روز به پیشگاه حضرتش عرض سلام کنیم
۲۵	* همیشه و در همه امور به امام زمان <small>علیه السلام</small> توسل جوئیم
۲۸	* هر روز صبح با حضرتش تجدید عهد و پیمان کنیم
۳۰	* در نصرت و یاری امام زمان <small>علیه السلام</small> بکوشیم
۳۲	* هر روز به نیابت از امام زمان <small>علیه السلام</small> صدقه بدهیم
۳۴	* همواره بر او صلوات و تحیت بفرستم
۳۶	* در اعمال صالحه برای آن حضرت نیابت بگیریم

- * در همه حال برای تعجیل در فرج حضرت دعا کنیم..... ۳۷
- * در احیاء امر امام زمان علیه السلام بین دوستانش بکوشیم..... ۴۰
- * برای مظلومیت و مفارقت از ایشان ندبه سر دهیم..... ۴۲
- * همواره دشمنان امام زمان را لعن کنیم..... ۴۴
- * همواره منتظر قدوم مبارکش باشیم..... ۴۶

میلاذ مسعود

ماه دامن‌کشان میدان آسمان را ترک می‌کرد و تاریکی، سایه سنگین خود را به ماورای افقها می‌کشید. نسیم بامدادی بوسه بر لب "دجله" و بر چهره و گونه نخلهای پیر و جوان می‌زد، گویا دنیا می‌خواست بار دیگر شکوه و جلال وصف ناپذیری به خود گیرد.

با صدای مؤذن دروازه صبح گشوده شد و اندکی پس از آن، در یکی از خانه‌های شهر سامرا، مولودی خجسته و مبارک چشم به جهان گشود، مولودی که "تولدش شکوه‌مند و تبارش پاک و اصیل است"^(۱). نامش، نام رسول خدا ﷺ، کنیه‌اش، کنیه رسول خدا^(۲). معروف به مهدی است، او قائم است و منتظر.

حکیمه خاتون، دُخت امام جواد علیه السلام ولادت آن مولود مبارک را اینگونه بیان می‌کند: در نیمه شعبان (سال ۲۵۵ هـ ق) یادگار گرانمایه برادرم، امام حسن عسکری علیه السلام برایم پیغام فرستاد، عمه جان! امشب نزد ما افطار کن [بعد از اینکه خدمت امام رسیدم آن حضرت فرمود:] خداوند در این شب فرخنده حجت خود را به دنیا خواهد آورد.

۱. جَلَّ مَوْلِدُهُ وَ كَرَّمَ مَخْتِدُهُ.

۲. نام رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله، و کنیه او ابوالقاسم است.

با شگفتی پرسیدم: سرورم! مادرش کیست؟
فرمود: نرجس.

گفتم: فدایت شوم، من که هیچ اثر و نشانی از مادر شدن در او نمی بینم.
فرمود: واقعیت همان است که گفتم.

با امید فراوان به اتاق آن بانو رفتم. بر او سلام کردم و خواستم بنشینم، نرجس پیش آمد و با دنیایی از وقار و ادب به من احترام کرد در حالیکه می خواست کفشهایم را درآورد، به من گفت! بانوی من! چگونه ای! حالت چطور است؟
گفتم: بانوی من و بانوی خاندانم تو هستی.

نرجس سخنم را قطع کرد و گفت: این چه گفتاری است عمه جان!
گفتم: دخترم! امشب خداوند به تو پسری گرانقدر عطا خواهد
فرمود که سرور و آقای هر دو جهان خواهد بود.
او با شنیدن این خبر شادمان گردید.

من پس از افطار و ادای نماز عشاء خوابیدم. ساعتی از نیمه شب گذشته بود که برای نماز شب برخاستم، و پس از نماز به نرجس نگاه کردم، دیدم آرام و آسوده در خواب است و از آنچه من در انتظارش لحظه شماری می کردم هیچ نشانی نیست. پس از تعقیب نماز، دوباره خوابیدم و پس از لحظه ای با اضطراب بیدار شدم، دیدم نرجس بیدار شده و کمی وحشت زده است. او برخاست و نماز شب گزارد و باز به رختخوابش بازگشت و مشغول استراحت شد.

از اطاق بیرون آمدم تا طلوع فجر را جستجو کنم. دیدم صبح کاذب دمیده است و نرجس خاتون مشغول استراحت است. در دلم دچار

تردید شدم، که امام حسن عسکری علیه السلام از اطاق مجاور فرمود: عمّه جان! شتاب مکن که امر نزدیک است. پس نشستم و به تلاوت سوره‌های "سجده" و "یس" پرداختم. هنوز مشغول تلاوت بودم که نرجس وحشت زده بیدار شد. به سویش دویدم و گفتم: دل خود آرام دار، که وعده خدا نزدیک است. آنگاه لحظه‌ای بر من غفلت عارض شد (گوئی پرده‌ای بین من و او آویخته شد) و بعد از سپری شدن آن لحظه، احساس کردم که حجّت خدا به دنیا آمده است.

ولی خدا را دیدم که با هفت عضو سجده، به سجده افتاده است. آن ماه پاره را در آغوش گرفتم، او را (برخلاف نوزادان دیگر) پاک و پاکیزه یافتم. در همان لحظه صدای امام را شنیدم که فرمود: عمّه جان! پسر من بیاور.

مولود مسعود را به محضر امام علیه السلام بردم امام، نور دیده‌اش را بغل کرد و در حالیکه با یک دست از پشت مولود و با دست دیگر از زیر رانهایش گرفته بود کف پاهای مولود نازنین را بر سینه خود چسبانید و در گوش راست او اذان، و در گوش چپش اقامه خواند. آنگاه زبان مبارک خود را در دهان او قرار داد گوئی از زبان خود به او شیر می‌داد. سپس دست مبارکش را بر دیده‌ها، گوشها و دیگر مفاصل بدنش کشید و کامش را برداشت، سپس فرمود: پسر من! سخن بگو!

بی‌درنگ حجّت خدا سخن آغاز کرد:

"أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ..."

آنگاه بر امیر مؤمنان و یکایک امامان صلوات و سلام فرستاد تا به پدر بزرگوارش رسید، به او هم سلام گفته، و ساکت شد.

آنگاه امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمود: عمّه جان! او را نزد مادرش ببر. پس او را نزد مادرش بردم.

حکیمه خاتون می فرماید:

صبح همان روز به محضر امام رسیدم و عرض ادب نمودم، پرده را کنار زدم که مولود مبارک را یکبار دیگر زیارت کنم، او را در گهواره خود نیافتم. عرضه داشتم: سرورم! فدایت شوم، سید و مولای من چه شد؟! فرمود: "اِسْتَوَدَعْنَاهُ الَّذِي اِسْتَوَدَعَتْ اُمُّ مُوسَى اِنَّهَا".

«او را به کسی امانت سپردم که مادر موسی، پسرش را به او سپرد».

جناب حکیمه همچنین می فرماید:

چهل روز بعد، خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم، دیدم مولی صاحب الزمان صلوات الله علیه راه می رود. صورتی نیکوتر و زبانی فصیح تر از زبان او ندیده بودم. خدمت امام عرض کردم: آقا این طفل دو ساله است! امام تبسمی نمود و فرمود: رشد فرزندان انبیاء و اولیاء که دارای منصب امامت و خلافت هستند با دیگران فرق دارد. کودکان یکماهه ما مانند بچه یکساله می باشند، کودکان ما در شکم مادر حرف می زنند و قرآن می خوانند و در عالم خود، خدا را پرستش می کنند. در ایام شیرخوارگی فرشتگان به پرستاری آنها می پردازند، و هر صبح و شام برای اطاعت فرمان آنها فرود می آیند.^(۱)

۱. تفضیل داستان ولادت حضرت را می توانید در منابع زیر مطالعه کنید:

شیخ صدوق روایت کرده است که به میمنت این میلاد خجسته، امام عسکری علیه السلام امر فرمود که ده هزار رطل^(۱) نان و ده هزار رطل گوشت به عنوان عقیقه حضرت مهدی صلوات الله علیه میان شیعیان و مستمندان تقسیم نمایند.

امام حسن عسکری علیه السلام برای اینکه شیعیان در ولادت حضرت حجت صلوات الله علیه در وجود مبارک آن حضرت دچار شک و تردید نشوند، آن مولود مسعود را در مناسبت‌های گوناگون در جمع شیعیان خالص و افراد مورد اعتماد حاضر می نمود تا حضرت مهدی علیه السلام را با چشم خود ببینند، و سخن دشمنان را در باره آن حضرت که همواره سعی می کردند ولادتش را انکار کنند، باور نکنند.

یکی از اصحاب امام عسکری علیه السلام (۲) می گوید: "به محضر امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم. امام بر فراز سگویی در صحن خانه نشسته بود و در کنار آن حضرت پرده‌ای آویخته بود. عرض نمودم: مولای من! صاحب این امر (بعد از شما) کیست؟ فرمود: پرده را کنار بزن. پرده را کنار زدم، کودکی بیرون آمد و روی زانوی پدر بزرگوارش نشست. امام علیه السلام خطاب به من فرمود:

این (فرزندم) صاحب این امر است، آنگاه خطاب به فرزند عزیزش فرمود:
تا وقت تعیین شده، داخل خانه شو.

غیبت شیخ طوسی، ص ۱۴۱. منابع الموده ج ۳، ۳۶ و ۱۱۱.

۱. رطل: وزن و پیمانه‌ای است که اندازه آن در شهرها مختلف است، اما در بیشتر آنها برابر با ۸۴ مثقال است. (المنجد)

۲. بنام یعقوب بن منقوش.

حجّت خدا در برابر دیدگان من وارد خانه شد. آنگاه امام علیه السلام خطاب به من فرمود:

ای یعقوب! نگاه کن بین چه کسی در خانه هست؟ وارد شدم اما کسی را در آنجا نیافتم؟"

امام عسکری علیه السلام این گونه شیعیان را به غیبت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تمرین می داد تا آنان را برای دوران غیبت امام مهدی علیه السلام آماده سازد. آن حضرت از آنها دوری می کرد، احکام شریعت را از پشت پرده برای شیعیان بیان می فرمود، هدیه ها و بخششهای خود را با واسطه به مردم می رساند تا بدین گونه زمینه را برای غیبت فرزندش مهدی علیه السلام فراهم آورد.

بیش از پنج سال از عمر با برکت آن حجّت خدا نگذشته بود که با شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام مردم در باره ولادت وجود مقدّس حضرت مهدی سلام الله علیه دچار شک و تردید، و اختلاف شدند. تا اینکه حضرت بعد از نماز گذاردن بر پیکر مطهر پدر بزرگوارش حضرت عسکری علیه السلام و خاکسپاری آن حضرت بنا به حکمت الهی در برابر چشم همگان، به یکی از غرفه های بیت امامت بازگشت و همانگونه که خورشید در پس ابرها قرار می گیرد از نظرها نهان شد.

و از اینجا غیبت صغری امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آغاز گردید و تا سال ۳۲۹ هـ ق ادامه داشت. در این مدت حضرت از طریق

چهار وکیل^(۱) خود با مردم ارتباط داشتند. فرمان انتصاب این نواب از طرف وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام صادر می‌گشت، و آنان برای اثبات این مسئله برای شیعیان، هر کدام به اجازه حضرت، صاحب معجزه و دلیلی بودند، و هر کدام قبل از وفات خود، جانشین خویش را تعیین می‌نمودند. تا اینکه امام علیه السلام به وکیل چهارم خود چنین فرمود: ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند. چرا که تو تا شش روز دیگر رحلت خواهی کرد، پس به کارهای خود رسیدگی کن و هیچ کس را به عنوان جانشین خود وصیت ننما که غیبت کامل واقع شده، و من آشکار نمی‌شوم مگر بعد از اذن پروردگار عالم، و این بعد از گذشت زمانها، و قساوت دلها، و پر شدن زمین از ستم خواهد بود. بزودی در میان شیعیان کسانی پیدا می‌شوند که ادعا می‌کنند مرا دیده‌اند: آگاه باش که هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده است^(۲)، دروغگو است و

۱. چهار وکیل (نائب) خاص حضرت به ترتیب عبارتند از:

عثمان بن سعید عمری. که در سال ۳۰۰ هـ ق وفات کرد.

محمد بن عثمان، پنج سال عهده دار نیابت خاص حضرت بود و در سال ۳۰۵ هـ ق درگذشت.

حسین بن روح نوبختی. در شعبان سال ۳۲۶ وفات کرد.

علی بن محمد سمری، که در نیمه شعبان ۳۲۹ وفات کرد.

لازم به ذکر است در بیشتر کتب به جای لفظ "وکیل" کلمه "نائب" بکار رفته است. در حالی که نائب امام معصوم، امام معصوم می‌تواند باشد نه غیر. بنابراین امام زمان علیه السلام آنها را بعنوان وکیل خود انتخاب کرده بود نه نائب خود.

۲. بر اساس قرائن موجود در فرمان حضرت، معلوم می‌گردد که منظور از ادعای "مشاهده" و "دیدن"، ادعای ارتباط و یا نائب است.

افترا می‌بندد. ولا حول ولا قوة الا بالله. (۱)

بعد از وفات وکیل چهارم آن حضرت دوران غیبت کبری آغاز شد. این غیبت که از نیمه شعبان سال ۳۲۹ هـ ق شروع شد تا فرا رسیدن روز موعود ادامه خواهد داشت.

حضرت مهدی علیه السلام در باره علت غیبت کبری در نامه خود به محمدبن عثمان چنین می‌نویسد:

«... اما در مورد علت غیبت، خدای تبارک و تعالی می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگز نپرسید از مسائلی که اگر فاش شود شما را اندوهگین سازد... [هر یک از پدران من، بیعتی از طاغوت‌های زمان به گردن داشت، ولی من به هنگامی ظهور خواهم نمود که بیعت احدی از طاغوت‌ها به گردنم نباشد.

و اما چگونگی بهره بردن مردم از من در زمان غیبتم، مانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرهای تیره آن را بپوشاند. و من برای اهل زمین امان هستم، چنانکه ستارگان امان اهل آسمان هستند.

در مورد چیزهایی که به شما سودی نخواهد داشت پرسش نکنید، و در مورد آنچه به شما بیان نشده، خود را به زحمت نیندازید. و در رابطه با تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما نیز به آن بسته است. و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند. (۲)

بدیهی است این تشبیه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۱. بحارالانوار، ترجمه ج ۵۱، ص ۴۳۷.

۲. محمد خادمی شیرازی، مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله، ص ۱۳۰.

از غیبتِ خود به خورشید در پشت ابر معنای دقیقی دارد، که استفاده و بهره‌های ما را از آن خورشید فروزان در دوران غیبت بیان می‌کند. (۱)
وجود مبارک امام زمان علیه السلام نیز چنین است که خود در پشت پرده غیبت نهان است ولی در جمع ما حاضر و ناظر است و ما را هدایت می‌کند. برای اشتباهات ما طلب آمرزش می‌کند، رفع گرفتاریها را از خدا می‌خواهد و به برکت دعاهاى او بسیاری از بلاها دفع می‌شود و به یمن وجود مبارکش مشمول عنایات حضرت حق قرار می‌گیریم، اگر چه از دیده‌ها پوشیده است.

خدایا از تو می‌خواهیم ولی امرت را آشکارا به ما بنمایانی در حالی که فرمانش جهان را مسخر ساخته، و ما را از آنانی قرار ده که به دیدار حضرتش چشمشان روشنی یافته است. و ما را به خدمتش بگمار، و بر آئین او بمیران، و ما را در زمرة یاران او به محشر آور.

۱. زیرا خورشید فائده‌های فراوانی دارد که حتی هنگام نهان شدن در پشت ابرهای تیره نیز این فائده به ما و همه جانداران می‌رسد. بگونه‌ای که همه موجودات زنده جهان به نور و حرارت آن نیاز دارند اگر چه در پشت ابر باشد.

در محضر امام زمان علیه السلام

در این بخش، به برخی از آداب و دستوراتی اشاره می‌شود که لازم است شیعیان امام زمان علیه السلام بالاخص شیفتگان و دوستداران راستین آن حضرت در محضر آن بزرگوار همواره آنها را مد نظر داشته و در زندگی خود بکار بندند.

معرفت خود را نسبت به امام زمان علیه السلام بیشتر کنیم

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به
مرگ جاهلیت مرده است. (۱)
امام حسن مجتبی علیه السلام

روایات زیادی از معصومین علیهم السلام در اهمیت شناخت و معرفت نسبت به امام و پیشوایان زمان وارد شده است؛ به گونه‌ای که بعضی از روایات کسب معرفت را شرط پذیرش عبادات می‌دانند. همانگونه که امام صادق علیه السلام در بیان آیه «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»، فرمود: به خدا قسم! ما آن اسماء حسناى الهی هستیم که خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد، مگر با شناخت و معرفت ما. (۲)

امام باقر علیه السلام نیز در همین زمینه می‌فرماید: به خدا سوگند! اگر کسی از شرک توبه کند، و به خداوند در روز قیامت ایمان بیاورد، و اعمال شایسته انجام دهد، اما به ولایت و محبت و شناختن فضل ما هدایت نیابد، آنها هیچ فایده‌ای به او نمی‌بخشد. (۳)

با توجه به این احادیث و سایر احادیثی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بیان شده است، معرفت و شناخت پیشوای زمان یعنی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر هر فردی واجب است. مقصود از شناخت و معرفتی که ائمه علیهم السلام بر آن تأکید فرموده‌اند،

۱. اصول کافی ج ۱، ص ۳۷۱ و ۳۷۷.

۲. ترجمه مکمال المکارم ج ۱، ص ۳۱.

۳. امالی شیخ طوسی، ص ۲۵۹.

شناخت ولی خدا و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هر دوره به نام، نسب و خصوصیات می باشد. یعنی بدانیم امام مفترض الطاعة، و خلیفه او در زمین، و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر زمان کیست؟ و ولایتش چگونه است؟ و وظیفه ما در قبال او چیست؟ چرا که معرفت او کلید تمام ابواب خیر و سعادت و رحمت می باشد.

بدیهی است چنین شناختی وقتی می تواند در زندگی فردی و اجتماعی منشأ اثر و تحوّل قرار گیرد و ما را به سر منزل مقصود رهنمون سازد، که با اطاعت محض و پذیرش قلبی همراه باشد. و الاّ بوده اند بسیاری از کسانی که در زمان خود ائمه علیهم السلام آنها را به خصوصیات و نام و نسب می شناختند اما بعلت نپذیرفتن ولایت، و اطاعت نکردن از آنها گمراه شدند.

"سلیم بن قیس از امیر مؤمنان علی علیه السلام پرسید: کمتر چیزی که آدمی به آن گمراه می شود، چیست؟

حضرت فرمود: آن است که شناسد کسی را که خداوند اطاعت او را امر کرده، ولایت و محبت او را واجب گردانیده، او را حجت خود در زمین قرار داده، و گواه خود بر خلق نموده است.

پرسید: یا امیر مؤمنان! ایشان کیستند؟

فرمود: کسانی هستند که خداوند اطاعت آنها را مقرون به اطاعت خود و پیغمبرش نموده، و فرموده است: "اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم".^(۱)

پس سلیم سر مبارک حضرت را بوسید و گفت: برای من (مطلب) را واضح کردی، و غم از دل من برداشتی، و هر شکمی که در دل من بود برطرف نمودی^(۱).

نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که شناخت و معرفت نسبت به حجت خدا جز با عنایت خداوند حاصل نمی‌شود لذا باید از درگاه الهی توفیق شناخت و معرفت امام زمان علیه السلام را درخواست کنیم، همانگونه در دعایی که خواندن آن نیز در عصر غیبت تأکید شده آمده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ
لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي...^(۲)

بار الها! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من شناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت، پروردگارا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من شناسانی حجت تو را نخواهم شناخت. بار الها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من شناسانی از دینم گمراه می‌گردم. خداوندا! مرا به مرگ جاهلیت نمیران و دلم را (از حق) پس از آنکه هدایتم فرمودی منحرف مگردان.

۱. معانی الاخبار، ص ۳۹۴.

۲. مفاتیح الجنان، دعا در غیبت امام زمان علیه السلام.

محبت خود را به امام زمان علیه السلام بیشتر ابراز نمائیم

گویند که در سینه غم عشق نهان ساز
در پنبه چه سان آتش سوزنده بپوشم؟

محبت بسان درخت پر برگ و باری است که بر شاخه‌هایش گل‌های رنگارنگ نشسته، و همانطور که این درخت هر چه بیشتر رشد کند و پرورش یابد گلها و شکوفه‌هایش فزونتر می‌شود، محبت و دوستی نیز هر چه نیرومندتر گردد آثار زیادی بر آن مترتب می‌شود. محبت دارای سه مرتبه است. گاهی در نهانخانه قلب است، گاهی محبت قلبی بر زبان جاری می‌گردد، و زمانی محبت قلبی‌ای که بر زبان جاری گشته در عمل تجلی یافته و آشکار می‌گردد. این مرحله، کاملترین مرتبه محبت نسبت به امام معصوم علیه السلام است که علاوه بر اینکه موجب کامل شدن ایمان می‌گردد از فضیلت وصف ناپذیری برخوردار است.

البته شکی نیست که به هر یک از مراتب دیگر محبت نیز اجر و ثوابی مترتب است. همانگونه که در حدیثی که رسول خدا، امیر مؤمنان علیه السلام را به سوره توحید تشبیه نموده، در قسمتی از آن حدیث چنین می‌فرماید: ^(۱)

«اگر محبت راستین تو در قلب کسی قرار گیرد یک سوم ثواب اعمال بندگان را خواهد داشت و اگر زبان با قلبش همراه شود دو سوم ثواب اعمال بندگان را خواهد داشت و اگر به دل و زبان و دستش (یعنی با اعضاء و

جو ارحش نیز تو را یاری کند و) دوستت بدارد ثواب تمام بندگان از برای او خواهد بود." (۱)

از آنجا که همه ائمه علیهم السلام نور واحد هستند بدون تردید همچنین است اظهار محبت نسبت به مولایمان حضرت صاحب الزمان علیه السلام. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

"هر کس از روی معرفت به رسول خدا و ائمه اطهار، امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دوست بدارد، خداوند او را از هر فتنه‌ای حفظ نماید، و در بهشت بر او باز خواهد بود. و مثل او در آسمان، مثل ماه نورانی است، و مثل او در زمین مثل مشک است که عطر آن هیچ از بین نمی‌رود." (۲)

از طرفی یکی از دستوراتی که خداوند متعال نیز به آن سفارش نموده است و آن را اجر رسالت و زحمات طاقت‌فرسای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند، مودت و دوستی نسبت به خاندانش است، می‌فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ. (۳)

بگو (ای پیامبر) من از شما مزدی برای رسالت نمی‌خواهم مگر مودت و دوستی خاندانم.

بنابر این دوستی و مودت یک تکلیف و وظیفه شرعی است، بدین معنا که دوستی با خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر همه واجب است. "تفسیر قمی" در معنای مودت و اجر رسالت چنین می‌نویسد:

۱. ترجمه مکالمات المکارم، ج ۱، ص ۵۹۷.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۸ - ذیل حدیث ۱۱ باب ۲۴.

۳. شوری: ۲۳.

اجر نبوت آن است که آنان (یعنی خاندان رسول خدا) را اذیت نکنید، حق آنها را به ناحق نگیرید، با آنان پیوند و ارتباط داشته باشید، و عهد و پیمان الهی را در حق آنها نشکنید.^(۱)

نکته بسیار مهمی که باید به آن اشاره نمود این است که این محبت و دوستی مستلزم پذیرش ولایت، اطاعت و تسلیم محض در برابر آنهاست، و این امر محقق نمی‌شود مگر بوسیله تقوی الهی و کسب معرفت نسبت به امام معصوم و همچنین کوشش در انجام وظایف الهی.

یکی از راههای اظهار محبت به امام زمان (ارواحنا فداه) گریه بر محبوب آن حضرت، یعنی حضرت سید الشهداء علیه السلام و نیز گریه بر مظلومیت وجود مبارک خود امام عصر صلوات الله علیه است. همانگونه که در دعای شریف ندبه آمده است:

پس بر پاکان از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، باید گریه کنندگان گریه کنند و ناله زندگان ناله زنند.

خیره آن دل که به آتش نبرد گریه عشق

تیره آن دل که در او شمع محبت نبود

هر روز به پیشگاه حضرتش عرض سلام کنیم

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آتَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ.

سلام بر تو (ای ولی زمان) در همه اوقات و ساعتهای شب و روز. همانگونه که دیده می شود، امام عصر علیه السلام در این بخش از زیارت می خواهد به ما بیاموزد که سلام دادن به آن بزرگوار مختص به وقت و زمان خاصی نیست بلکه باید همیشه و پیوسته بر آن حضرت عرض سلام داشته باشیم.

در حقیقت ما با عرض سلام به پیشگاه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اعلام می کنیم که از ناحیه من از هر جهت در سلامت هستی. یعنی هیچ آزاری از طرف من به شما نخواهد رسید و من هرگز موجبات تأثر خاطر و رنجش شما را فراهم نخواهم آورد.

شرط ادب اقتضا می کند که با حضور قلب و در نهایت خضوع و خشوع و تسلیم در پیشگاه آن حضرت بایستیم و آنگاه سلام و ارادت خود را به ایشان برسانیم، و از روی امید منتظر شنیدن پاسخ امام علیه السلام باشیم چرا که برای هر سلام پاسخی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضیلت زیارت که نوعی عرض سلام و ارادت بشمار می آید، می فرماید:

کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت او آمده و وی را از هول و وحشت های آن روز می رهانم.^(۱)

۱. کامل الزیارات، ترجمه، ص ۹.

بهترین سلامها، سلامهایی است که از ناحیه مقدّس خود امام عصر سلام الله علیه به ما رسیده است، و آن حضرت خود به ما آموخته است که چگونه در پیشگاهش عرض سلام و ارادت کنیم. در اینجا به جهت اختصار فقط به ذکر نام آنها اکتفا می‌شود.

۱. زیارت آل یس (سلام علی آل یس)
۲. دعای استغاثه به امام زمان علیه السّلام (سلام الله الكامل التّام...).
۳. زیارت روز جمعه (السّلام علیک یا حجّة الله فی ارضه و...).

همیشه و در همهٔ امور به امام زمان علیه السلام توسل جوئیم

کجاست آن درگاه الهی که از آن به حریم خدا درآیند.^(۱)
 کجاست آن وسیله‌ای که فیوضات آسمان را به اهل زمین
 می‌رساند؟^(۲)

همانگونه که در این فقرات از دعای ندبه مشاهده می‌شود، ولی
 زمان حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم واسطهٔ
 رساندن فیض‌ها و برکات الهی به موجودات و انسانها است. و هم
 درگاهی است که باید از آن به پیشگاه پروردگار وارد شد.
 او "اسم الله" است که بنا به گفتهٔ قرآن کریم باید به آن متوسل شد.
 فرمود: **وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا**^(۳)، برای خداوند نامهای نیکی
 است او را به آن نامها بخوانید.

امام رضا علیه السلام در مورد آیهٔ مذکور می‌فرماید:

هرگاه سختی و گرفتاری به شما روی آورد بوسیلهٔ ما از خدای عز و جل
 کمک بخواهید، این است معنای آیهٔ شریفه.^(۴)

با توجه به مطالب فوق معلوم می‌گردد که انسان باید هنگام
 درخواست حوائج از درگاه الهی، و هنگام مشکلات و درماندگی‌ها، و

۱. آئین باب الَّذِي مِنْهُ يُوتَى.

۲. آئین السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.

۳. اعراف : ۱۸۰.

۴. ترجمهٔ مکیال المکارم ج ۲، ص ۳۸۵.

بطور کلی در همهٔ امور و حالات همواره به امام زمان علیه السلام متوسل شده و از او استمداد و کمک بخواهد. او را در پیشگاه خداوند واسطه و شفیع قرار دهد و امیدوار باشد که خداوند نیز او را اجابت خواهد نمود، همانگونه که جناب سلمان می‌فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

همانا خدای عز و جل می‌فرماید: ای بندگان من! آیا چنین نیست که هر کس حاجت‌های بزرگی از شما بخواهد آنها را برای او برآورده نمی‌سازید مگر اینکه بوسیلهٔ محبوب‌ترین افراد نزد شما واسطه بیاورد، که آن حاجت را به احترام شفاعت کننده برایش برآورد؟ توجه کنید و بدانید که گرامی‌ترین و برترین مخلوق نزد من، محمد صلی الله علیه و آله و برادر او، علی علیه السلام، و بعد از او امامانی هستند که به سوی من وسیله هستند. همانا هر کس حاجتی برایش اهمیت دارد که نفع آن را می‌خواهد، یا حادثه‌ای بزرگ بر او پیدا شده که می‌خواهد ضرر آن از او دفع شود، باید مرا به (وسیله) محمد صلی الله علیه و آله و خاندان معصوم او بخواند تا اینکه حاجت او را برآورده سازم، بهتر از کسی که عزیزترین کسانی را نزد او شفیع می‌برید و آن را برمی‌آورد.^(۱)

همانگونه که از این حدیث مستفاد می‌شود، توسل و استغاثه منحصر به امام زمان سلام الله علیه نیست و برای همهٔ ائمه علیهم السلام نیز ثابت است، اما اختصاص خاصی به امام زمان علیه السلام دارد و نسبت به این امر، آن حضرت از امتیاز خاصی برخوردار است. تا آنجا که یکی از القاب خاص امام زمان (ارواحنا فداه) "الغوث" یعنی

۱. ترجمهٔ مکالمات المکارم ج ۲، ص ۳۸۵.

فریادرس می‌باشد.

باید توجه داشت آنچه که در توسل به آن حضرت مهم است حضور قلب و توجه کامل به ساحت مقدس آن امام عزیز، و پاک نمودن روح و قلب از گناهان است.

یکی از استغاثه‌های به امام زمان علیه السلام دعایی است که خود حضرت به ابوالحسن محمدبن احمدبن ابی‌اللیث در خواب تعلیم نموده است. ابوالحسن (مذکور) از ترس کشته شدن به قبرستان قریش گریخته بود که آن حضرت این دعا را به ایشان تعلیم نمودند و به برکت این دعا از کشته شدن نجات یافت. متن دعا این است:

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءِ وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَارَضَتْ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرَّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلْمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَ انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي.

همچنین در استغاثه به امام زمان علیه السلام این دعا که بسیار مجرب است

وارد شده است: يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَدْرِكْنِي وَ لَا تُهْلِكْنِي^(۱)

۱. دارالسلام، ص ۳۱۶. باب کسانی که حضرت را دیده و شناخته‌اند.

هر روز صبح با حضرتش تجدید عهد و پیمان کنیم

مرا عهدی است با جانان که تا جان در بدن دارم
 همو ادا راں کوش را چو جان خویشان دارم

تجدید عهد، یعنی انسان در قلب و زبان خود، ولایت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) را اقرار کند و آمادگی خود را جهت یاری رساندن به او اعلام نماید و با این عمل محبت و پیوند قلبی خود را با امام علیه السلام تازه کند.

تجدید عهد روزانه با امام زمان صلوات الله علیه موجب ثبات ایمان و اخلاص در قلبها می گردد و اجر و ثواب کسی برای انسان رقم می خورد که در حضور آن حضرت حاضر بوده و او را یاری رسانده است. تازه کردن عهد و پیمان موجب می شود انسان همواره مورد توجه و الطاف آن حضرت قرار گیرد. به شرط اینکه به عهد و پیمان خود وفا کند.

در توقیع شریف امام زمان (ارواحنا فداه) به شیخ مفید رحمة الله علیه آمده است:

اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد. در وفای عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می داشتند - و عهد و پیمان الهی را محترم می شمردند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نائل می شدند.

در کتاب شریف کافی از امام صادق علیه السلام روایات متعددی ذکر شده

است که عهد الهی "ولایت علی علیه السلام و امامان بعد از او است". آن حضرت می فرماید:

"..... ما عهد الهی هستیم، پس هر که به پیمان ما وفا کند، عهد الهی را وفا نموده، و هر کس آن را بشکند حرمت عهد الهی را شکسته است."^(۱)
صاحب کتاب مکیال المکارم می گوید: وفای به عهد با شش امر تحقق پیدا می کند:

۱. یقین قلبی به امامت و ولایت ائمه علیهم السلام و تسلیم در برابر آنچه از آنها وارد شده است.
۲. مودت قلبی نسبت به آنان
۳. بغض نسبت به دشمنان آنها
۴. اطاعت و پیروی از آنان در تمام اوامر و نواهی
۵. اظهار اعتقاد قلبی به آنان، بوسیله زبان و اعضای بدن.
۶. یاری کردن آنها در هر حال.^(۲)

دعاهای مشهوری که جهت تجدید پیمان با مولایمان حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارد شده است عبارتند از:

۱. دعای عهد (اللهم رب النور العظیم...)^(۳)
۲. زیارتی که هر روز بعد از نماز صبح خوانده می شود (اللهم بلغ مولای صاحب الزمان...)^(۴)

۱. کافی ج ۱، ص ۲۲۱.

۲. ترجمه مکیال المکارم ج ۱، ص ۴۵۶.

۳. زاد المعاد، ص ۴۸۹، مفاتیح الجنان.

۴. مفاتیح الجنان، زیارتی که بعد از دعای ندبه آورده شده است.

در نصرت و یاری امام زمان علیه السلام بکوشیم

مرا به پرهیزکاری، کوشش، پاکدامنی و
درستکاری یاری کنید.^(۱)

همانگونه که امیر مؤمنان علی علیه السلام از یاران و دوستان خود می خواهد او را به پرهیزکاری و دوری از کارهای ناشایست یاری نمایند، شیعیان و محبین مهدی موعود صلوات الله علیه نیز باید با تهذیب نفس و آرایش خود به اخلاق نیکو، آن حضرت را یاری کنند. چنانچه امام صادق علیه السلام نیز به این امر تصریح کرده است، می فرماید:

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد، باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید. پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش حضرت قائم علیه السلام به پا خیزد، پاداش او همچون کسی است که آن حضرت را درک نموده است. پس کوشش کنید، و در انتظار بمانید، گوارا باد! شما را ای شامل شوندگان رحمت خداوند.^(۲)

با توجه به این مطالب معلوم می گردد که پرهیزکاری و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست بعنوان یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت بشمار می آید و از اهمیت خاصی برخوردار است، به

۱. نهج البلاغه فیص الاسلام، نامه ۴۵.

۲. کافی ج ۱، ص ۲۰۰.

گونه‌ای که امام زمان علیه السلام اعمال ناشایست و گناهان را بعنوان یکی از عوامل طولانی شدن غیبت خویش شمرده است. در توقیع شریفی که از ناحیه آن حضرت به شیخ مفید رحمة الله علیه صادر گردیده است، می‌فرماید:

پس چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد، و از آنان انتظار نمی‌رود. یکی از راههای نصرت و یاری حضرت در عصر غیبت از بین بردن شبهات و ایرادات باطلی است که از ناحیه مخالفین امر ظهور عنوان می‌شود. چنانچه امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید:

افضل شهداء آن کسی است که خدا و رسول او را غایبانه یاری کرده، و حرف بد و باطل را درباره آنها ردّ نموده باشد.^(۱)

همچنین اطاعت و فرمانبرداری قلبی و عملی از آن حضرت و نیز برآوردن حاجات و اصلاح امور دنیوی شیعیان و محبتین امام علیه السلام، و لعن و نفرین بر دشمنان حضرت مهدی علیه السلام می‌تواند زمینه را جهت نصرت و یاری حضرت فراهم سازد.

هر روز به نیابت از امام زمان علیه السلام صدقه بدهیم

یکی از اموری که علمای شیعه روی آن تأکید بسیار کرده‌اند، صدقه دادن به نیابت از امام زمان علیه السلام به جهت سلامتی وجود مقدس آن حضرت است، و آن را بعنوان یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت آن حضرت بشمار می‌آورند. چنانچه یکی از وصایای سید بن طاووس رحمة الله علیه به فرزندش (محمد) همین موضوع بوده است. ایشان فرموده است:

«... و ابتدا کن (یعنی روز خود را آغاز کن) به صدقه دادن برای آن حضرت قبل از اینکه برای خودت و عزیزانت صدقه بدهی»^(۱)

تردید نیست که امامان معصوم علیهم السلام به مقتضای وضع انسانی خود و به عبارتی از این جهت که آنها نیز از نوع بشر هستند به بیماریها، غمها و اندوهها مبتلا می‌شوند که برای رفع آنها وسائلی وجود دارد. از مهمترین وسائلی که بلا و گرفتاریها را رفع می‌کند صدقه است. بنابراین قصد ما از صدقه به نیابت امام زمان علیه السلام سلامتی وجود مقدس آن حضرت از هر بلائی است. وجود اقدسی که اصلاح تمام امور دنیوی و اخروی ما بدست او و متوقف به سلامتی وجود مبارکش می‌باشد. ما با صدقه دادن علاوه بر اینکه محبت و علاقه خود را نسبت به آن حضرت ابراز می‌کنیم از طرف دیگر نیز نفوسمان را پاک و پاکیزه می‌سازیم. چرا که صدقه یکی از عوامل سازنده انسان نیز

۱. سید جعفر رفیعی، امام زمان و سید بن طاووس، ص ۱۱۰.

بشمار می آید. همانگونه که خداوند عزّ و جلّ می فرماید: ای رسول ما!
تو از مؤمنان صدقات را دریافت کن تا بدین وسیله نفس آنها را پاک و
پاکیزه سازی.^(۱)

همواره بر او صلوات و تحیت بفرستیم

صلوات، زیباترین هدیه و بالاترین درود ما به بهترین محبوب خداست، که حاکی از محبت قلبی ما نسبت به اوست. به عبارتی هنگامی که بر حجت خدا حضرت مهدی علیه السلام صلوات می فرستیم، از این طریق علاقه و ارادت قلبی خود را به آن حضرت ابراز کرده، و از طرفی در درگاه خداوند متعال برای آن حضرت آرزوی علو درجات نموده ایم.

اما نتیجه و ثمره درود فرستادن مؤمنین بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و خاندانش در این حدیث شریف بیان شده است:

"هنگامی که صلوات می فرستید خداوند جل و اعلی و ملائکه نیز بر شما صلوات می فرستند."^(۱)

اما از بهترین صلوات هائی که متعلق به امام زمان علیه السلام است می توان صلوات عصر جمعه و صلواتی را که در زیر بیان شده است، نام برد. در فضیلت صلوات عصر جمعه که از ناحیه خود حضرت صادر گردیده است می فرماید:

اگر به جهت هر عذری، تعقیبات و اعمال عصر روز جمعه را ترک کردید اما هرگز این صلوات را ترک نکنید بعلت امری که خداوند ما را به آن مطلع نموده است.

اما صلواتی که از ناحیه امام حسن عسکری علیه السلام جهت صلوات

۱. اصول کافی، کتاب دعا، باب صلوات.

فرستادن بر حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است این است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ فَارَضْتَ
طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَ تَهُمْ
تَطْهِيراً اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَاثْتَصِرْ بِهِ لِديْنِكَ وَاَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَّائِكَ وَ
أَوْلِيَّائَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ انصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ
بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ
خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ
إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ
الْعَدْلَ وَ اَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خاذِلِيهِ وَ اقْصِمِ
قاصِمِيهِ وَ اقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ
جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا
بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ انصَارِهِ وَ اعْوَانِهِ وَ اتِّبَاعِهِ وَ
شِيعَتِهِ وَ ارْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي
عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ آمِينَ. ^(۱)

در اعمال صالحه برای آن حضرت نیابت بگیریم

عنوان نیابت گرفتن در اعمال صالحه از ناحیه امام زمان علیه السلام بیشتر در حجّ و زیارات قبور مطهر ائمه علیهم السلام وارد شده است. شرط اصلی در نیابت این است که باید در همان ابتدای عمل، قصد کرد که این عمل از جانب ایشان و به نیابت از ایشان انجام می‌گیرد.

روایات زیادی در محبوبیت این امر در نزد ائمه علیهم السلام و تأکید آنها بر این امر وارد شده است و یکی از سنتهای خود آن معصومین نیز بوده است. چنانچه از محمد بن عیسی یقظین روایت شده^(۱):

امام رضا علیه السلام چند دست لباس و چند غلام برای من فرستاد و از من خواست که از جانب آنحضرت، و برادرشان، و یونس بن عبدالرحمن برای هر کدام یک حج بجا آورم.

همچنین لازم است جهت اظهار محبت به آن حضرت و برای رفع حزن و اندوه قلبی ایشان که در اثر مشاهده بعضی از اعمال و امور (مانند ضعف و ناتوانی اهل اسلام، و ارتکاب به گناهان و اصرار بر آن)، به آن حضرت عارض شده است عمل صالحی مانند روزه گرفتن، ختم قرآن، زیارت مشاهد مشرفه نذر نمائیم. گفتنی است که نذر کردن عمل صالح به قصد سلامتی امام زمان علیه السلام جهت برآورده شدن حاجات و اصلاح امور بسیار مجرب است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۷.

در همه حال برای تعجیل در فرج حضرت دعا کنیم

بدرستی که دعا قضا را برمی گرداند و پیچیدگی آنرا باز می کند، چنانکه رشته تابیده شده نخ، باز شود، هر چند که محکم تابیده شده باشد.^(۱)

ظهور و فرج امام زمان علیه السلام از جمله اموری است که امکان تقدّم و تأخر در آن وجود دارد یعنی که به سبب بعضی از اسباب، پیش یا پس می شود.

از جمله اسبابی که زمینه نزدیک شدن ظهور حضرت را فراهم می سازد، اهتمام مردم در دعا کردن برای تعجیل ظهور و فرج آن حضرت است.

از آنجا که تأخیر ظهور امام زمان علیه السلام به سبب موانعی است که از ناحیه خود ما سرچشمه گرفته است، بر ما واجب است همواره از خداوند متعال نزدیک گردانیدن امر فرج را درخواست کنیم، و از این طریق موجبات شادی قلب حضرت را فراهم سازیم.

امام زمان علیه السلام خود نیز تأکیدات زیادی به شیعیان جهت دعا کردن در امر فرجشان نموده اند. در توقیع شریفی که از آن حضرت روایت شده چنین آمده است: برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید بدرستی که در این

دعا فرج شما می باشد. (۱)

معنی اینکه برای دعا کننده، فرج حاصل می شود، این است که اولاً به برکت این دعا، به آرزوها و حوائج و خواسته های مختلفی که در راه آنها تلاش می کند، خواهد رسید. دوم اینکه، خداوند به سبب این دعا به جای امیدی که دارد، از او غم و اندوهش را دور می سازد و حاجتش را برمی آورد. سوم اینکه، خداوند متعال صبر و استقامت در گرفتاریها و سختیها را به او عنایت می فرماید و در نرسیدن به مقصودش به او تحمل می دهد، و دشواریها را بر او آسان می گرداند.

امام صادق علیه السلام در اهمیت دعا برای فرج حضرت چنین می فرماید: "خداوند به حضرت ابراهیم وحی فرستاد که به زودی فرزندی برای تو متولد خواهد شد، پس آن حضرت این موضوع را با ساره در میان گذاشت. ساره گفت: من پیرزن هستم، با این وصف چگونه صاحب فرزند خواهم شد. پس خداوند به آن حضرت وحی کرد که ساره به زودی فرزندی می آورد که اولادش چهارصد سال گرفتار خواهند شد."

سپس امام صادق علیه السلام فرمود:

"چون گرفتاری بنی اسرائیل به طول انجامید چهل صبح رو به درگاه الهی آورده و به گریه و زاری پرداختند پس خداوند هم به موسی و برادرش هارون وحی فرستاد که با امداد غیبی، آنها را از شر فرعون نجات دهد. و خداوند از چهارصد سال گرفتاری آنها، صد و هفتاد سال آن را برداشت."

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. احتجاج طبرسی، ص ۴۷۱.

”شما هم مثل بنی اسرائیل در درگاه خداوند عاجزانه به گریه و زاری بپردازید، خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد. اما اگر چنین نباشد این سختی تا پایان مدتش ادامه خواهد داشت.“^(۱)

بنابراین لازم است دعا برای آن حضرت را بر هر دعائی مقدم بداریم، و آرزوی دیرینه انبیاء، اوصیاء، و اولیاء خدا را که همان ظهور حضرت حجّت است بر زبان جاری کنیم، و از خداوند عاجزانه درخواست کنیم که وعده‌اش را هر چه زودتر برساند، و آن حضرت را حجت آشکار خود در زمین قرار دهد و با این امر قلب حضرتش را شاد گرداند.

۱. ترجمه مکیال‌المکارم ج ۱، ص ۴۴۱.

در احیاء امر امام زمان علیه السلام بین دوستانش بکوشیم

مقصود از احیای امر، همانگونه که از سیاق روایت ذیل فهمیده می‌شود، در حقیقت احیای امر ولایت آن حضرت است. امام صادق در این مورد می‌فرماید: بهترین مردم بعد از ما کسی است که امر ما را احیاء کند و مردم را به سوی ما فرا خواند.

یکی از راههای احیاء امر حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاعه چیزهایی است که به معرفت و شناسائی امر امامت و ولایت ایشان بیانجامد، و نیز بیان فضائل، مناقب و معارف آن حضرت به طرق مختلف. بعنوان مثال تألیف کتاب می‌تواند تا حدودی در این مسیر مفید واقع شود. همانگونه که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دل (و قلب انسان) به نوشته اطمینان حاصل می‌کند.^(۱)

در جای دیگر به مفضل می‌فرماید: بنویس و علم خود را میان دوستانت منتشر ساز و چون مرگت فرا رسد آنها را به پسرانت میراث ده، زیرا برای مردم زمان فتنه و آشوب می‌رسد که آن هنگام جز با کتاب انس نگیرند.^(۲)

بنابر این تألیفات گوناگون، مدیحه‌سرایی در قالب قصیده و شعر، برپا کردن مجالس و بطور کلی هر امری که به گونه‌ای موجب شناخت امر ولایت امام زمان علیه السلام گردد، راهی جهت احیاء امر آن حضرت

۱. ترجمه کافی ج ۱، نشر فرهنگ اهل‌البیت، ص ۶۷.

۲. همان، همان، ص ۶۷.

محسوب می‌گردد.

روایات زیادی جهت تأکید و فضیلت احیاء امر ائمه علیهم‌السلام وارد شده است. امام صادق علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:
 "ای فضیل بن یسار آیا می‌نشینید و با هم در امر ما اهل بیت حدیث می‌کنید؟

ایشان عرض کرد: بلی، فدایت شوم.

امام فرمود: همانا من این مجالس را دوست دارم، احیا کنید امر ما را. خدایش رحمت کند هر که امر ما را احیا کند."^(۱)
 امام رضا علیه‌السلام نیز می‌فرماید:

هر کس در مجلسی که امر ما احیا می‌شود بنشیند، دلش نمی‌میرد روزی که دلها می‌میرد.^(۲)

۱. بحار ج ۴۴، ص ۲۸۲.

۲. همان، همان، ص ۲۷۸.

برای مظلومیت و مفارقت از ایشان ندبه سر دهیم

بلبل این شور و نوائی که به بستان دارد
در نهاد آتش عشقی است که سوزان دارد

حزن و اندوه شیعه برای امام زمان علیه السلام یا به جهت محبت قلبی و باطنی اش نسبت به آن حضرت است، که در اثر این محبت شدید، برای جدایی و مظلومیت و مصیبت‌های آن حضرت که بی حد و اندازه است، گریان می‌شود، یا اندوه و اشکش به علت مشاهده فتنه‌های بسیار و بدعت‌هایی است که در دین خدا صورت گرفته، و نیز هتک حرمت‌هایی که به اهل حق و اولیای الهی وارد شده است. چنین حزن و اندوه و ندبه‌ای در پیشگاه خداوند فضیلت بسیار دارد. همانگونه که امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

هر کس دل او برای ما به درد بیاید پس در وقت مردن او، خداوند فرح و خوشحالی در قلبش عطا فرماید که در قبر و در طول برزخ، و جمیع مواقع قیامت، فرحناک و خوشحال باشد تا بر سر حوض کوثر بیاید و از آن بیاشامد.^(۱)

در جای دیگر می‌فرماید: کسی که برای ما مهموم و غمگین باشد و به سبب مظلومی ما دلگیر باشد نفس کشیدن او ثواب تسبیح دارد.^(۲)

۱. بحار ج ۸، ص ۲۲.

۲. اصول کافی ج ۳، ص ۳۲۰.

یکی از دلائل مظلومیت امام زمان علیه السلام از سیاق روایتی که امام حسین علیه السلام بیان کرده است، فهمیده می شود. آن حضرت می فرماید:
 قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این امت، نهمین فرزند، از فرزندان من است، و اوست صاحب غیبت، و او کسی است که در حالیکه زنده است میراثش تقسیم می گردد.^(۱)

دعای شریف ندبه بهترین دعایی است که برای نوحه و ناله و جزع در فراق امام زمان علیه السلام بیان شده است. بعضی از فرازهای این دعا اینگونه درد فراق را به تصویر می کشد:

تا کی درد فراق تو را بپذیرم و با چه بیانی تو را بستایم و راز دل با تو بگویم؟

آیا کسی هست مرا یاری دهد تا ناله و گریه بر تو را با او به درازا کشم؟

آیا شکواگر بی تاب شده ای هست تا او را در تنهایی اش بر ناشکیبایی فراق تو یاری دهم؟

آیا شود که روز جدایی ما به فردای وصال تو و دیدار چهره نیکو منظرت پیوندد؟

کی شود که تو ما را ببینی و ما نیز تو را؟

همواره دشمنان امام زمان را لعن کنیم

لعن، تبری و بیزاری جستن از دشمنان امام علیه السلام است که موجب شدت عقوبت آنها در جهنم، برزخ و قیامت می‌گردد و از طرفی اظهار محبت و درخواست نصرت و یاری برای آن حضرت است.

مداومت بر لعن، نصرت و یاری آن حضرت را بدنبال دارد و همچنین موجب دعای ملائکه و صلوات خداوند در حق انسان می‌گردد. چنانچه امام عسکری علیه السلام می‌فرماید:

هر کس یکی از دشمنان ما را لعن کند پس خداوند صدای او را به ملائکه در آسمانها می‌رساند، سپس آنها هم به سبب لعن او، جمیع دشمنان ما را لعن می‌کنند و بر او ثنا می‌گویند و برایش طلب استغفار و رحمت می‌نمایند، و می‌گویند: خدایا بر روح این بنده صلوات و رحمت بفرست که در یاری اولیائت کوشش تمام کرد و اگر قدرتی زیاد بر این مقدار یاری کردن داشت، البته می‌کرد. خطاب می‌رسد: ای ملائکه! من دعای شما را در حق او مستجاب گردانیدم و بر روح این بنده صلوات فرستادم، و او را از برگزیدگان و نیکوکاران گردانیدم.^(۱)

با فضیلت‌ترین لعن‌ها، لعن بر جبت و طاغوت، لعن بر بنی‌امیه و قاتلین سیدالشهداء، و نیز لعن بر یزید است. این لعن (یعنی لعن بر یزید) وسیله گشایش در مشکلات و گرفتاریهای بسیار سخت است. چنانچه هنگامی که کشتی نوح علیه السلام در محل کربلا قرار گرفت، متلاطم

۱. بحارج ۵۰، ص ۳۱۷.

گردید. وقتی از علت آن سوال کردند، از سوی خداوند خطاب شد: در این زمین فرزند حبیب من شهید می شود. قاتل او را لعن کنید که ملعون اهل آسمان و زمین است. پس چهار بار بر او لعن فرمودند که بعد از آن کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و از خوف و اضطراب نجات یافتند.^(۱)

لعن بر دشمنان اهل بیت، بخصوص امام زمان علیه السلام در همه احوال و اوقات از مستحبات مؤکد است اما در چند وقت و امور فضیلت آن بیشتر است از جمله:

بعد از نماز، در حال سجده، در حال قنوت، در ایام مصیبت ائمه علیهم السلام در هنگام توسل به آنها، و در حال زیارت امام علیه السلام.^(۲)

۱. بحار ج ۴۴، ص ۲۴۲.

۲. فوز اکبر، ص ۱۲۹.

همواره منتظر قدم مبارکش باشیم

انتظار فرج که عبارت از ایمان استوار به امامت و ولایت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، همه اعتقادهای اساسی انسان اعم از توحید، نبوت و پیشوائی امامان معصوم علیهم السّلام را دربر می‌گیرد. بر این اساس انتظار فرج شرط قبولی اعمال محسوب می‌شود. روایات بسیاری به این امر تصریح کرده‌اند، از جمله: امام صادق علیه السلام به اصحاب خود می‌فرماید: آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای عز و جلّ، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی‌پذیرد؟ گفتم: چرا. فرمود: شهادت به لا اله الا الله، و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست، و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما امامان، و بیزاری از دشمنان ما، و تسلیم در برابر ما امامان، و پرهیزکاری، کوشش و اطمینان، و انتظار قائم علیه السلام.^(۱)

انتظار فرج از تمام مستحبات و اعمال صالحه در نزد خداوند دوست داشتنی‌تر است. همانگونه که پیامبر اکرم صلوات الله علیه می‌فرماید:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزُّ وَ جَلُّ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^(۲)، محبوب‌ترین

و خوشایندترین اعمال نزد خداوند انتظار برای فرج (مهدی علیه السلام) است. البته باید گفت که انتظار فرج تنها ابراز به زبان نیست، بلکه کیفیتی

۱. کافی کتاب غیبت، ص ۲۰۰.

۲. بحار ج ۵۲، ص ۲۵.

نفسانی است یعنی تا وقتی در اعماق جان انسان، شوق دیدار امام زمان (ارواحنا فداه) و آن حالت چشم به راهی پیدا نشود اظهار انتظار با زبان، سودی ندارد. به قول شاعر: آب کم جُو، تشنگی آور بدست. سیدبن طاووس رحمة الله علیه در این زمینه می گوید:

من به شخصی که به شدت اظهار علاقه و شوق به ظهور آنحضرت می نمود، گفتم: اگر امام زمان پیغام دهد که از ناحیه پدرانم از رسول خدا ﷺ به من خبر رسیده که هر زمان ظهور کنم به مجرد آنکه تو مرا ببینی خواهی مُرد، اما اگر ظهور من به تأخیر افتد بیست سال با خوشی و خرّمی در کنار خانواده زندگی خواهی کرد، آیا برای ظهور امام ﷺ ترجیح نمی دهی حیات فانی را فدا کنی؟

بنابراین انسان باید امر ظهور حضرت را بر هر خواسته ای مقدم بدارد، و در عمل نیز نشان دهد که جزء منتظرین واقعی حضرت است.

غم مخور ایام هجران رو به پایان می رود
 این خماری از سر ما می گساران می رود
 پرده را از روی ماه خویش بالا می زند
 غمزه را سر می دهد غم از دل و جان می رود
 بلبل اندر شاخسار گل هویدا می شود
 زاغ با صد شرمساری از گلستان می رود
 محفل از نور رخ او نورافشان می شود
 هر چه غیر از ذکر یار از یاد رندان می رود

ابرها از نور خورشید رخس پنهان شوند
پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود
وعدۀ دیدار نزدیک است یاران، مژده باد
روز وصلش می‌رسد، ایام هجران می‌رود.

داشت» و از جانب خدا به او وحی می شود و او هم طبق دستور
خدا عمل می کند. (۱)

ما رهرو عشقیم و جز این ره نرویم

جز درگه تو به هیچ درگه نرویم

خواهیم که غیر آستان تو مدام

بر جانب درگهی بناگه نرویم

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲ / مهدی موعود: ص ۱۱۴۱ / نجم الشاقب: